

فوتبال خارجی

سمفونی وسوسه، تردید و یک انقلاب تاریخی در فوتبال ایتالیا با حضور پپ

روای لاجوردی

نگاررشدی

فوتبال ایتالیا این روزها روی خط باریکی از بیم و امید قدم برمی‌دارد. خبری که تا چند روز پیش شبسیه به یک شایعه دیوانه‌وار در کوچه‌پس کوچه‌های رم و میلان زم‌زه می‌شد، حالا با صراحت کامل به تیت‌ریک رسانه‌های ورزشی جهان تبدیل شده است؛ آژوری، پپ گواردیولا را می‌خواهد! ماجرا دیگر یک گمانه‌زنی ساده نیست؛ بلکه یک عملیات پیچیده، احساسی و فوق‌العاده حساس است که می‌تواند مسیر فوتبال سرزمین چکمه‌رایی را همیشه تغییر دهد.

همه چیز از صحبت‌های جووانی مالاگو، رئیس فدراسیون فوتبال ایتالیا آغاز شد. او سرانجام به سکوت سنگین فدراسیون پایان داد و رسماً تایید کرد که تماس هابامگز متفکر اسپانیایی برقرار شده است. در روزهایی که اقتصاد فوتبال ایتالیا با چالش‌های جدی دست و پنجه نرم می‌کند، مالاگو از یک استثنای بزرگ پرده برداشت و گفت: «اینکه بگویم در برابر مسائل مالی و بودجه بسیار سنگینی که با آن روبه‌رو هستیم، باید کمر بندها را سفت کنیم، کم‌گویی است. اما استثناهایی در نظر گرفته شده است که می‌تواند شامل نامی باشد که این روزها بیش از همه مطرح است؛ یعنی پپ گواردیولا.» این جملات مالاگو نشان می‌دهد که ایتالیا برای بازگرداندن شکوه از دست‌رفته‌اش، حاضر است تمام معادلات و قوانین نانوشته مالی خود را زیر پا بگذارد. اگر چه گزینیه‌های دیگری مانند آندرا پیرلو و روبرتو منچینی نیز روی میز پائولو مالدینی (مدیر فنی فدراسیون) قرار دارند و فدراسیون مذاکرات موازی را نیز پیش می‌برد. اما هیچ‌کس نمی‌تواند کتمان کند که نام پپ، به تنهایی وزن‌های است که تمام نام‌های دیگر را به حاشیه می‌راند. مالاگو با هوشمندی تکذیب کرده است که: «زنده‌نگه داشتن باب گفت‌وگو با گواردیولا، یک وظیفه و یک ضرورت است.

برای درک بهتر این درام فوتبال، باید به چند هفته قبل و کنفرانس خبری خدا حافظی گواردیولا از منچستر سیتی برگردیم. مردی که یک دهه، روی نیمکت آبی‌های منچستر نشست و تعداد جام‌هایش را در دو بر سال‌های حضورش در این تیم کرد، با لبخندی خسته اما قاطع به دنیا اعلام کرد که تنها یک چیز می‌خواهد؛ استراحت. تعهدی که این مربی کاتالان هر روز در زمین تمرین از خود نشان می‌دهد، روح و جسم او را فرسوده کرده است. او در لوج قله فوتبال ایستاده و حالا، پس از سال‌ها تحمل فشارهای خرد کننده، می‌خواهد در کنار خانواده و پدرش، به آرامشی دست یابد که سال‌ها از آن محروم بوده است. پاسخ اولیه و منطقی پپ به هر پیشنهادی در این مقطع، یک «نه» قاطعانه است. او زمان می‌خواهد تا دوباره باتری‌هایش را شارژ کند؛ اما مانا گهان، تلفنی زنگ می‌خورد که نادیده گرفتنش کار هر کسی نیست.



وقتی نام پائولو مالدینی در میان باشد، احترام به صورت خود کارشکلی می‌گیرد. گواردیولا هرگز فراموش نکرده است که قهرمانی پارسلو نادر لیگ قهرمانان اروپا سال ۲۰۰۹ در ورزشگاه المپیکورم را به همین اسطوره ایتالیایی تقدیم کرد. حالا مالدینی به همراه لئوناردو (مشاور فدراسیون و طراح چشم‌اندازهای بزرگ)، آخر هفته گذشته را در اسپانیا سپری کردند تا ورود پپ به بنسینند و ذهن او را درگیر تردیدی شیرین کنند. هدف آنها از این سفر، ارائه یک پیشنهاد کاری ساده نبود؛ آنها کلید یک امپراتوری را به پپ پیشنهاد دادند. فوتبال ملی ایتالیا، یک کنترل مطلق (در دست گرفتن صفر تا صد فوتبال ملی ایتالیا)، شبکه اختصاصی (تشکیل تیمی از همکاران و استعدادیاب‌های معتمد برای کشف جواهرات پنهان ایتالیایی در سراسر کشور) و نظارت بر پایه‌ها حق انتخاب سرمربی تیم بزرگ ۲۱سال که شاید همچنان در اختیار سیلیو بالاردینی بماند، ایده اصلی این است؛ تزریق فلسفه یکپارچه گواردیولا به رگ‌های خشکیده فوتبال ایتالیا تا از هدر رفتن استعدادها جلوگیری شود. این یک پروژه باسازای ملی است؛ یک شاهکار که می‌تواند تاج‌گذاری نهایی پپ در دنیای فوتبال باشد.

با وجود تمام وعده‌های رویایی، واقعیت‌های مالی همچنان خودنمایی می‌کنند. دستمزدی که فدراسیون ایتالیا با تمام تلاش‌ها و ایجاد استثناهای می‌تواند به گواردیولا پیشنهاد دهد، در حدود پنج میلیون یورو در سسال است. این رقم در مقایسه با دستمزد سرسام‌آور بیش از ۲۰ میلیون یورویی او در منچستر سیتی، فاصله بسیار زیادی دارد. اما ایتالیایی‌ها می‌دانند که پپ برای پول به آژوری نخواهد آمد. این مبلغ، سقف توان فدراسیون است و تنها برای اثبات این موضوع پرداخت می‌شود که نشان دهند چقدر برای حضور او ارزش قائل هستند و حاضرند تمام قوانین ریاضیاتی خود را برای او بشکنند.

گواردیولا از هیئت ایتالیایی چند روز زمان خواسته تا فکر کند. همین که او بلافاصله پیشنهاد را رد کرده، نشان می‌دهد که ذهن او درگیر این چالش جدب شده است. با این حال، سایه سنگین خستگی و نیاز به استراحت باعث شده تا رسانه‌ها و کارشناسان شانس نشیندن پاسخ «نه» را بسیار بیشتر از پاسخ مثبت بدانند. سپردن کارها به دیگران برای پپ آسان نیست و اومی داند چنین پروژه‌ای تمام انرژی او را خواهد بلعید. مالاگو، مالدینی و لئوناردو پیش‌تر تاریخ ۲۳ ژوئیه (امروز) را به عنوان ضرب‌الاجل معرفی سرمربی جدید و رونمایی از او در مجمع لیگ سری آ در میدان تعیین کرده بودند. اما بزرگی نام گواردیولا باعث شده تا آنها حاضر باشند این ضرب‌الاجل را زیر پا بگذارند و منتظر بمانند اکنون تمام ایتالیا در یک سکوت دلهره‌آور فرو رفته است. فدراسیونی که حاضر است کلید آینده فوتبال خود راودستی تقدیم یک کاتالان کند، چشم‌به‌راه تصمیمی است که می‌تواند تاریخ‌ساز شود.

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا

مدیر مسئول: مسعود حیدری

زیر نظر شورای سردبیری

مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

ایده ۶۴ تیمی شدن جام جهانی، بزرگ‌ترین تورنمنت فوتبالی را به سیرک تبدیل می‌کند

جنون فیفا



دست‌یخت دوم‌یگز

همه چیز از نشست شورای فیفا در مارس ۲۰۲۵ و پیشنهاد یک مقام اروگوئه‌ای آغاز شد، اما جرعه‌های اصلی را آلخاندرو دوم‌یگز، رئیس کنفدراسیون فوتبال آمریکای جنوبی (CONMEBOL) زد. دوم‌یگز که پیش از این توانست بود به مناسبت صدمین سالگرد جام جهانی (۱۹۳۰ تا ۲۰۳۰)، برگزاری را به بازافتتاحیه در اروگوئه، آرژانتین و پاراگوئه را به فیفا تحمیل کند، حالا اشتباهی بیشتری پیدا کرده است. تورنمنتی که قرار بود به میزبانی مشترک اسپانیا، پرتغال و مراکش برگزار شود، با تصمیم فیفا سه کشور آمریکای جنوبی را هم در قامت میزبانان تک‌بازی پذیرفت تا عملاً یک جام جهانی سه قاره‌ای شکل رسم‌آز سه کشور عضو فیفا، یکی چمدان‌هایش را به مقصد جام جهانی خواهد بست. گزارش تازه روزنامه «گائز تالدو اسپورت» ایتالیا نشان می‌دهد که این سناریو نه تنها یک شوخی رسانه‌ای نیست، بلکه خطری جدی است که افت کیفی، تقویم فشرده و کل اکوسیستم فوتبال جهان را تهدید می‌کند.

هنوز شوک ناشی از ۴۸ تیمی شدن جام جهانی ۲۰۲۶ در آمریکای شمالی هضم نشده که زمزمه‌های افتضاحی جدید به گوش می‌رسد؛ احتمال برگزاری جام جهانی ۲۰۳۰ یا ۶۴ تیم. یعنی رسم‌آز سه کشور عضو فیفا، یکی چمدان‌هایش را به مقصد جام جهانی خواهد بست. گزارش تازه روزنامه «گائز تالدو اسپورت» ایتالیا نشان می‌دهد که این سناریو نه تنها یک شوخی رسانه‌ای نیست، بلکه خطری جدی است که افت کیفی، تقویم فشرده و کل اکوسیستم فوتبال جهان را تهدید می‌کند.

چهره به چهره

وقتی پرونده چند ده میلیاردی با یک غفلت ساده بایگانی شد!

مگه داریم؟

نازنین دشتی

سناریوی یک فیلم سینمایی بر کشتش و پر تعلیق را تصور کنید. قهرمان داستان پس از ماه‌ها مبارزه، جمع‌آوری مدرک و خط و نشان کشیدن برای رقبای سرسخت، بالاخره اسلحه نهایی‌اش را رو می‌کند و پرونده را به بالاترین مرجع قضایی جهان می‌برد. همه تماشاگران روی صندلی‌های خود نیم‌خیز شده‌اند و منتظر شلیک نهایی و پیروزی دراماتیک او هستند؛ اما درست در لحظه‌ای که قرار است ماشه کشیده شود، قهرمان داستان یادش می‌افتد که با روت فتنگش را کلاً جا گذاشته است! این دقیقاً همان سناریویی است که مدیران باشگاه پرسپولیس در پرونده جنجالی علیرضا بیرانوند و باشگاه تراکتور به نمایش گذاشتند. داستان فسخ یک طرفه دروازه‌بان ملی پوش اسپانیایی، در حاشیه‌اش به تیریز، برای ماه‌ها توتر اول تمام رسانه‌های ورزشی کشور بود. پرونده‌ای که قرار بود اقتدار حقوقی سرخ‌پوشان را به رخ بکشد، ناگهان با یک خبر اختصاصی و شوک‌برانگیز از سوی دادگاه عالی ورزش (CAS) در لوزان سوئیس به یک گاف تاریخی و بلورندگ‌رنی تبدیل شد. ماجرا از آن فسخ جنجالی آغاز شد؛ جایی که علیرضا بیرانوند تصمیم گرفت مسیر تیریز را در پیش بگیرد و مدیران پرسپولیس با خشم و عصبانیت، سینه سپر کردند و جلوی دوربین‌ها حاضر شدند. پیام روشن و واضح بود؛ حق باشگاه را تا آخرین سنت و تا بالاترین مرجع حقوقی دنیا می‌گیریم؛ بیانه‌های تند، مصاحبه‌های روزانه و هوادارانی که در فضای مجازی برای رقیب تیریزی خط و نشان می‌کشیدند، همه و همه یک فضای حماسی ساخته بود. در لایحه اولیه حقوقی پرسپولیس ادعاهای بزرگی مطرح شده بود؛ بستن پنجره نقل و انتقالاتی باشگاه تراکتور به دلیل ادعای اغوای بازیکن، دریافت غرامت‌های سنگین و میلیاردری از دروازه‌بان و باشگاه جدیدش و حکم محرومیت مضاعف برای بیرانوند تا درس عبرتی برای بقیه شود. هواداران به پشتوانه این شعارها آرام گرفته بودند و منتظر بودند تا حقوق دانان سوئیس، مهر بطلان بر اقدامات بیرانوند و تراکتور بزنند. اما خروجی این همه هیاهو چه بود؟ هیچ!

اتفاق روز

خریده‌های ۱۰۵ میلیاردی پشت درهای بسته فیفا!

پارادوکس بزرگ

تابستان امسال برای هواداران استقلال، شبیه به یک فیلم دلهره‌آور با پایانی نامشخص است؛ فیلمی که در آن قهرمان داستان با جیب‌هایی پر از پول به بازار می‌رود، اما درست زمانی که قصد دارد کالاهای لوکس خود را به خانه ببرد، متوجه می‌شود کلید درهای ورودی را گم کرده است. داستان این روزهای باشگاه استقلال، روایتی عجیب از تلاقی خریدهای نجومی و بن‌بست‌های حقوقی در راهروهای فیفاست. هفته‌ها بود که یک روزنه امید کوچک در دل آبی‌های پایتخت سوسوی زد.

مدیران باشگاه و چهره‌هایی چون علی تاجری‌نا، در مصاحبه‌های متعدد به هواداران نوید می‌دادند که حتی در بدترین سناریو و بسته ماندن پنجره نقل و انتقالات تابستانی، استقلال می‌تواند پس از پایان مهلت قانونی، روی جذب سه بازیکن

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، نرسیده به روانپهر، پلاک ۱۳۲

تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰

ایمیل: @tosee_irani

نشانی سایت: toseeirani.ir

ایمیل: toseeirani@gmail.com

شماره ۲۲۳۲/ پنجشنبه ۱ مرداد ۱۴۰۵/ ۸ صفر ۱۴۴۸/ ۲۳ جولای ۲۰۲۶

آمریکای جنوبی ۱۰عضو دار دوهمین
حالا ۶۵.۵سهمیه برای جام جهانی
۴۸ تیمی را به خود اختصاص داده
(۶سهمیه مستقیم و یک سهمیه
پلی آف). اگر تورنمنت ۶۴تیمی شود،
۹کشور از ۱۰کشور این قاره مستقیم
صعود خواهند کرد در واقع، مقدماتی
آمریکای جنوبی رسماً معنای خود را از
دست می‌دهد و بیشتر به یکسری بازی
دوستانه اعطای سهمیه شبیه خواهد شد

کرده است. حالا تصور کنید یک هفته بارش برف در اروپا یا یک بحران پیش‌بینی نشده به این تقویم اضافه شود؛ عملاً هیچ روز خالی برای جبران وجود نخواهد داشت. علاوه بر این، جام جهانی ۲۰۳۴ عربستان سعودی نیز به دلیل گرمای هواناچار است مانند قطر در زمستان برگزار شود. تعطیلی چندباره لیگ‌ها در میانه فصل، تقویم‌های پنج‌سال آینده فوتبال را کاملاً ویران خواهد کرد.

نه بزرگ

خوشبختانه این ایده عجیب هنوز به تصویب نهایی نرسیده است. یوفا (اتحادیه فوتبال اروپا) و کونکاکاف (آمریکای شمالی و مرکزی) به شدت با این طرح مخالفت کرده‌اند. ویکتور مونتانگلیانی، رئیس کونکاکاف، اخیراً هشدار داده که چنین تصمیمی می‌تواند به کل اکوسیستم فوتبال آسیب بزند و کیفیت فنی مسابقات را ویران کند. مخالفت اروپا نیز ریشه در حفظ اعتبار لیگ قهرمانان و لیگ‌های داخلی دارد، چراکه آنها نمی‌خواهند باشگاه‌ها ناوان زیاده‌خواهی‌های مالی فیفا را ببهند. فراموش نکنیم افزایش تعداد تیم‌ها از ۳۲ به ۴۸ یک شوک تجاری بود، اما ۶۴ تیمی کردن جام جهانی، رسماً کشیدن خط بطلان بر اصالت فوتبال است. فیفا با این ایده نه به دنبال توسعه فوتبال در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، بلکه به دنبال جلب رضایت فدراسیون‌های کوچک برای اخذ آرا، فروش حق پخش بیشتر و جذب اسپانسرهای میلیاردری است. اگر این ایده در شورای فیفا رای بیابد، در جام جهانی دیگر معبد ستاره‌ها و عرصه تیرد بهترین‌های زمین نخواهد بود؛ بلکه مسابقه‌ای طولانی، خسته‌کننده و بی‌کیفیت می‌شود که در آن صعود کردن فوتبال همین حالا هم در آستانه فروپاشی است. بی‌عرضگی تمام‌عیار است؛ باید دید آیا عقلانیت و صدای معترضان در اتاق‌های تاریک زور بیخ‌شنیده خواهد شد یا قیفا شوخی تلخ خود با جام جهانی را تا انتهای این مسیر ویرانگر ادامه می‌دهد.

آنلاین بنشینند و منتظر شانس باشند! این در حالی است که تراکتوری‌ها با تیم حقوقی خود (به وکالت هوشنگ نصیرزاده) موفق شدند دستور توقف اجرای حکم محرومیت چهار ماهه بیرانوند را هم بگیرند و حالا با خیال راحت در دادگاه آن‌لاین به دنبال برائت کامل دروازه‌بان‌شان هستند.

باید کمی عمیق‌تر به ماجرا نگاه کنیم. در باشگاهی که سالانه چند صد میلیارد تومان هزینه بستن قرارداد با ژبونه‌ها، هتل‌های پنج ستاره و پروازهای اختصاصی می‌شود، چطور ممکن است یک نفر پیدا نشود که روی تقویم گوشی‌اش یک یادآور (Reminder) بگذارد که ۱۵ جولای روز ریز هزینه دارد سری است؟ مگر می‌شود یک باشگاه با ده‌ها میلیون هوادار و ادعای ساختار حرفه‌ای در بدیهی‌ترین و مقدماتی‌ترین اصل حقوقی، یعنی رعایت مهلت‌های قانونی (Deadline) چنین گاف ناشیانه‌ای بدهد؟ آیا مشکل از تحریم‌ها و انتقال پول بود؟ اگر بود، چرا تراکتور و بیرانوند توانستند به موقع کارهای‌شان را پیش ببرند؟ آیا فراموشی ساده‌داری بود؟ که در این صورت باقیمانده تراکتور است! آیا مساله تمکن مالی بود؟ چطور برای پرداخت پیش‌پرداخت بازیکنان پول هست، اما برای زنده نگه داشتن شانس غرامت میلیاردی پول نیست؟ پاسخ هر چه باشد، نشان‌دهنده یک حواس‌پرتی جدی در لایه‌های مدیریتی باشگاه است. مدیرانی که هنگام مصاحبه‌های آتشین، خود را خادم هوادار و مدافع حق پرسپولیس می‌نامند، در عمل با یک تأخیر پنج روزه، یکی از مهم‌ترین پرونده‌های حقوقی تاریخ باشگاه را تا کام گذاشتند. امروز پرسپولیس نه تنها شانس جریمه رقیب را از دست داده، بلکه باید بنشیند و تماشا کند که آیا تراکتوری می‌تواند حکم برائت بیرانوند را هم بگیرد یا خیر! این اتفاق فقط یک خبر ورزشی ساده نیست؛ یک درس عبرت بزرگ از عواقب مدیریت آمانور پشت میزهای حرفه‌ای است. آیا کسی در باشگاه پیدای می‌شود که مسئولیت این شاهکار تاریخی در لوزان را بر عهده بگیرد و با پشت‌در خواجهی کند؟

(مدافع چپ) و محمد خلیفه (دروازه‌بان) ستاره‌های خریداری شده هستند. رقم شگفت‌انگیز ۱۰۵ میلیارد تومان که به حساب باشگاه آلومینیوم وازیز با تعدد شده، فقط مبلغ رضایت‌نامه این بازیکنان بوده است. در این مذاکرات که ماه‌ها به طول انجامیده، ۱۰ درصد از این مبلغ قابل توجه نیز به عنوان حق کارگزاری قانونی به مدیر برنامه‌های مشترک این بازیکنان پرداخت می‌شود. آلومینیوم از این درآمدها برای تسهیل خریدهای خود صحبت می‌کند و آن را حاصل یک دیپلماسی ورزشی موفق می‌داند؛ اما در سوی دیگر ماجرا، استقلال خریدهای گران قیمتی انجام داده که فعلاً حق استفاده از آنها را ندارد!

وضعیت فعلی استقلال، کلافی سرردرگم از تصمیمات مدیریتی و چالش‌های بین‌المللی است. از یک طرف، باشگاه با صرف هزینه‌های سنگین (مانند قرارداد ۱۰۵ میلیاردی با آلومینیوم اراک) به دنبال تقویت تیم است و از طرف دیگر، قانون بی‌رحم فیفا جلوی ورود این سرمایه‌های زمین چمن را گرفته است. بازیکنانی که با امید درخشش با پیراهن آبی قرارداد بسته‌اند، حالا شاید مجبور شوند نیم‌فصل را از روی سکوها تماشا کنند. تنها راه نجات چیست؟ در حال حاضر، سرنوشت استقلال و خریدهای جدیدش تنها به یک نهاد گره خورده است؛ دادگاه حکمت ورزش (CAS). اگر مدیران استقلال نتوانند یک دستور موقت حیاتی از CAS دریافت کنند یا یاری فیفا را بر گردانند، سهراب بختیاری زاده چارای جز جنجیدن با دست‌های خالی نخواهد داشت. او باید نیم‌فصل نخست این ماراتن نفس‌گیر را تنها با ماندگان فصل قبل، بازیکنان تمدیدی و جوانان جویای نام رده‌های پایه پشت سر بگذارد؛ در حالی که گنجینه‌ای از بازیکنان جدید و گران قیمت، پشت درهای بسته فیفا در انتظار معجزه‌اند.

مشکل اصلی اینجا است که برخی مدیران در فوتبال ایران، دادگاه‌عالی ورزش در لوزان را با کمیته‌های انضباطی داخلی اشتباه می‌گیرند. در فوتبال داخلی، عادت کرده‌ایم پرونده‌ها یا توصیه‌نامه‌ها، ریش سفیدی، نفوذهای پشت پرده و «حالا این دفعه را نادیده بگیرید» پیش برود. اما مقر دادگاه عالی ورزش در سوئیس، ساختاری کاملاً خشک، دقیق و بر پایه قانونمندی دارد. بر اساس تقویم رسمی دادگاه CAS، پرسپولیس برای پیگیری شکایت خود و پرداخت هزینه دادرسی، تا روز ۱۵ جولای مهلت داشت. پنج روزی که بعداً به این تاریخ اضافه شد، نشان‌دهنده یک غفلت و بی‌خیالی محض در ساختار مدیریتی باشگاه است. مدیران پرسپولیس دقیقاً پنج روز پس از پایان مهلت قانونی اقدام به پرداخت پول کرده‌اند؛ نتیجه؟ رییس دادگاه عالی ورزش حتی ز حمت باز کردن لایحه حقوقی پرسپولیس را هم به خود نداد. پرونده به ساده‌ترین و تلخ‌ترین شکل ممکن مخومه و رد شد.

سوئیس‌ها خیلی شیک و آونوشیده اعلام کردند وقتی شمار برای مهلت قانونی دادگاه احترام قائل نیستید، ما هم دلیلی برای بررسی ادعای شما نداریم!

شاید در ظاهر برخی یوگنبد فدای سر مدیران! مهم اصل محرومیت است. اما واکاوی این پرونده نشان می‌دهد پرسپولیس با این بی‌انضباطی مالی و اداری، عملاً تمام برگ‌های برنده خود را به سطل اشغال ریخت. اول از همه دو شدن ادعای اغوا بسته شدن پنجره تراکتور که باعث شد پرسپولیس شانس بزرگ برای برپیمه و جلب خسارت از تراکتور را کلاً از دست بدهد. دوم پرس کشیدن غرامت مالی بیشتر آن هم در روزهایی که باشگاه‌ها برای صد میلیون تومان بالا و پایین با تورم و چالش‌های مالی دست و پنجه نرم می‌کنند. در این شرایط یک غرامت سنگین یورویی با رایی‌های هم به راحتی از دست رفت. و اما سوم، تبدیل شدن از شاکی به تماشاگر. حالا پرسپولیس در پرونده لوزان هیچ کاره است! پرونده شکایت پرسپولیس رده شده و فقط شکایت قبلی بیرانوند و تراکتور از فدراسیون و پرسپولیس باقی مانده است. یعنی پرسپولیس به جای اینکه در موقعیت تهاجمی باشد، باید به دفاع

آزاد حساب باز کند. این ادعا، هر همی موقت بر زخم فهرست ناقص تیم تحت هدایت سهراب بختیاری زاده بود. اما استعمال اخیر از فیفا، مانند یک سطل آب یخ، باشگاه را از این رویای شیرین بیدار کرد. فیفا با صراحت اعلام کرد که محدودیت استقلال، یک عصبانیت عادی پنجره نیست؛ بلکه

یک محرومیت انضباطی ناشی از پرونده منتظر محمد است. فیفا خیلی روشن گفته است باشگاهی که با محرومیت انضباطی روبه‌رو است، حق استفاده از هیچ استثنایی را ندارد. تا زمانی که این مجازات تعلیق، لغو یا به پایان نرسد، ورود هر بازیکن جدید (حتی بازیکن آزاد) به لیست آبی‌ها کاملاً ممنوع است. این همان زنگ خطری بود که کارشناسان حقوقی پیش‌تر به صدا درآورده بودند، اما در هیاهوی رسانه‌ای باشگاه نادیده گرفته شد. حالا استقلال مانده و پنجره‌ای که با قفل‌های سنگین فیفا پلمپ شده است.

درست در روزهایی که فیفا آب پاکی را روی دست مدیران استقلال ریخت، از شهراراک خبرهایی به گوش رسید که بر ابعاد این پارادوکس مدیریتی افزود. باشگاه آلومینیوم اراک با انتشار یک بیانه شفاف‌ساز، پرده از یک انتقال نجومی برداشت. استقلال که حالا اجازه ثبت هیچ بازیکنی را ندارد، برای جذب دو پدیده جوان آلومینیوم دست به جیب شده است. جزئیات این انتقال که توسط باشگاه اراکی تایید شده، عجیب به نظر می‌رسد؛ بهرام گودرزی